

پیام پنج
مسرت بردن از مسیح به عنوان واقعیت
یوبیل عهد جدید

خواندن متون مقدس: لاویان ۲۵: ۸-۱۷؛ اشعیا ۶۱: ۱-۳؛
لوقا ۴: ۱۶-۲۲؛ اعمال ۲۶: ۱۶-۱۹

۱. سال یوبیل در لاویان ۲۵: ۸-۱۷ به عنوان یک نبوت در اشعیا ۶۱: ۱-۳ ثبت شده است و در لوقا ۴: ۱۶-۲۲ در واقعیت برآورده شده است:

آ. در سال یوبیل دو برکت اصلی بود: بازگشت هر انسانی به ملک [دارایی] از دست رفته اش و آزادسازی از بردگی - لوقا ۲۵: ۸-۱۷:

۱. در سال یوبیل هر که ملک خود، سهم میراث خود را از سرزمین نیکو، فروخته بود، بدون پرداخت چیزی برای بازخرید آن، به آن بازگردانده می شد (آ. ۱۰، ۱۳، ۲۸)، و هر که خود را به بردگی فروخته بود، آزادی خود را دوباره کسب کرده و به خانواده خود بازمی-گشت (آ. ۳۹-۴۱).

۲. بازگشت به ملک خود و آزاد شدن و بازگشتن به خانواده خود نشان می دهد که در یوبیل عهد جدید، ایمانداران به نزد خدا به عنوان ملک الهی گم شده خود بازگشته اند، از تمام اسارت رها شده، و به کلیسا به عنوان خانواده الهی خود بازگشته اند - افسسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ یوحنا ۸: ۳۲، ۳۶؛ ر.ک. مزامیر ۶۸: ۵-۶.

ب. در نماد عهد قدیم، یوبیل یک سال به طول می انجامید، ولی آن در تحقق به تمام عصر عهد جدید، عصر فیض، به عنوان زمانی که خدا اسیران بازگشته از گناه را می پذیرد (اشعیا ۴۹: ۸؛ لوقا ۱۵: ۲۴-۱۷؛ ۲ قرننیا ۶: ۲) و وقتی که ستمدیدگان تحت اسارت گناه، از رهایی نجات خدا مسرت می برند (رومیان ۷: ۱۴-۸: ۲).

پ. مسرت ایمانداران از یوبیل در عصر فیض (مسرت آنها از مسیح به عنوان فیض خدا به آنها) منجر به مسرت کامل از یوبیل در هزاره و به کمال مسرت در اورشلیم نو در آسمان نو و زمین نو می شود - یوحنا ۱: ۱۶-۱۷؛ رومیان ۵: ۱۷؛ فیلیپیان ۳: ۱۴؛ مکاشفه ۲۲: ۱-۲۲.

۲. سال یوبیل، عصر مسیح به عنوان فیض است که توسط کلام فیض خود، در ما برای مسرتان توزیع می شود؛ یوبیل عهد جدید، عصر خلسه- برای نجاتمان است - لوقا ۴: ۲۲؛ مزامیر ۴۵: ۲؛ یوحنا ۱: ۱۴-۱۷؛ ۲ قرننیا ۶: ۲:

آ. عصر عهد جدید، عصر خلسه است، و یک مسیحی شخصی در خلسه است. اگر ما هرگز در برابر خدا در خلسه نبوده ایم، این نشان می دهد که ما به اندازه کافی مسرت خدا را نداریم - ۵: ۱۳؛ اعمال ۱۱: ۵؛ ۲۲: ۱۷؛ مزامیر ۴۳: ۴؛ ۵۱: ۱۲؛ ۱ پطرس ۱: ۸؛ اشعیا ۱۲: ۳-۶.

ب. «یوبیل» به معنای داشتن هیچ نگرانی یا اضطراب، هیچ دلواپسی یا غم، هیچ کمبود یا کسر، هیچ بیماری یا مصیبت، و هیچ مشکلی، بلکه در عوض، داشتن تمام منافع. از این جهت، همه امور به دلمان خوشایند و رضایت بخش است، و ما از اضطراب آزاد بوده، راحت، هیجان زده و شادمان هستیم - مزامیر ۱۰: ۱-۵؛ ۱۱۶: ۱-۷، ۱۲-۱۳، ۱۷-۱۹.

پ. ما باید خداوند عیسی را به عنوان یوبیل واقعی در خود دریافت کنیم. اگر او را داشته باشیم، خدا را به عنوان ملک [دارایی] خود داریم و می توانیم از اسارت گناه و شیطان رهایی یابیم تا دارای آزادی و استراحت واقعی باشیم - اعمال ۲۶: ۱۸؛ افسسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ کولسیان ۱: ۱۲؛ متی ۱۱: ۲۸؛ یوحنا ۸: ۳۲، ۳۶:

۱. وقتی که ما مسیح را به عنوان منجی و حیاتمان دریافت می کنیم، او به درونمان می آید تا یوبیل ما باشد، ولی عملاً در یوبیل زندگی نمی کنیم مگر اجازه دهیم او در ما زندگی کند و مگر ما

توسط او زندگی کنیم - آ. ۱۱-۱۲.

۲. اگر قلب ما بر هر شخص، چیز یا امری غیر از خداوند متمرکز باشد، این بت پرستی است، و پایان، بدبختی است - ۱ یوحنا ۵: ۲۱؛ ر. ک. حزقیال ۱۴: ۳، ۵؛ ۶: ۹.

۳. اگر اجازه دهیم مسیح در ما زندگی کند و ما توسط او زندگی کنیم، همه چیز برای ما رضایت بخش است. در غیر این صورت، همه چیز مشکل است، و هیچ چیز یوبیل نیست.

ت. همه چیز فقط می تواند پس از کسب کردن مسیح شامل تمام به عنوان مسرتان رضایت بخش باشد؛ این افراد، امور یا چیزهای ظاهری نیستند، بلکه مسیح در درون ما است که ما را قادر می سازد در مواجهه شدن با انواع وضعیت ها، آرام و عاری از نگرانی باشیم - فیلیپیان ۳: ۸-۹؛ ۴: ۸-۱۱، ۱۳-۱۱.

۳. اعلان یوبیل در لوقا ۴ بر اندیشه مرکزی در کل انجیل لوقا حاکم است، و مثل های سامری نیکو در لوقا ۱۰ و پسر گمشده در لوقا ۱۵ تصاویر عالی از یوبیل هستند:

آ. انسان-منجی ارائه شده در مثل سامری نیکو نشانگر ابراز صفات الهی او با فضایل انسانی اوست - ۱۰: ۳۷-۲۵:

۱. انسان-منجی، در سفر خدمتگزاری جوینده گمشده و نجات دهنده گناهکار (۱۹: ۱۰)، به محلی که قربانی مجروح دزدان یهودگرا در آنجا در وضعیت رقت انگیز و در حال مرگ افتاده بود، پایین آمد.

۲. وقتی که انسان-منجی او را دید، در انسانیتش با الهیت خود، دلش بر حال او سوخت و او را شفای لطیف و مراقبت نجات بخش داده، به طور کامل نیاز فوری او را رفع کرد - ۱۰: ۳۳-۳۵.

ب. انسان-منجی ارائه شده در مثل پسر گمشده، روح شبانی کننده، جوینده و نجات دهنده او را با قلب با محبت، بخشنده و دلسوز پدر نشان می دهد - ۱۵: ۱۱-۳۲؛ ر. ک. ۹: ۵۵-۵۶:

۱. روزی پسر گمشده به ملک خود و خانه پدرش بازگشت؛ این یک یوبیل بود، یک آزادسازی، و همه چیز خوشایند و رضایت بخش شد - ۱۵: ۲۰، ۲۴؛ ر. ک. لاویان ۲۵: ۱۰-۱۲.

۲. نجات یافتن، بازگشت به میراث خود، بازگشت به خداست، [یعنی] برگشتن به خدا و از نو مسرت بردن از او به عنوان ملک خود (افسسیان ۱: ۱۳-۱۴)؛ نجات یافتن، کسب کردن خداست. وقتی خدا را داریم، همه چیز داریم؛ بدون خدا، هیچ چیز نداریم (کولسیان ۱: ۱۲).

۳. خدا سهم مبارک ما در مسیح شده است، ولی بسیاری از مسیحیان، ناراحت و مثل چراغ هایی که نمی درخشند هستند، زیرا با برگرفتن خدا به عنوان سهم خود، «سوئیچ [برق] را روشن نمی کنند» - افسسیان ۴: ۱۸؛ فیلیپیان ۲: ۱۲-۱۶.

۴. پذیرش پسر از سوی پدر و بازگشت پسر به پدر و خانه پدر، برای پسر سال یوبیل، سال فیض بود - لوقا ۱۵: ۲۰.

۵. خدا در مسیح چون گوساله پرواری برای مسرت پسران گمشده توبه-گر و بازگشته شده است - آ. ۲۳.

۶. این با لاویان ۲۵: ۱۱-۱۲ مطابقت دارد، که می گوید مردم در سال یوبیل نباید می کاشتند و نباید درو می کردند، بلکه باید فقط می خوردند و مسرت می بردند. ما همینکه با دریافت خداوند عیسی توبه کنیم و به خدا بازگردیم، خدا را در درون بدست می آوریم، و این آغاز یوبیل ماست.

۷. ما خادمان استخدام شده پدر نیستیم، بلکه پسران او هستیم که مسرت می بریم، و می توانیم مدام از خدا به عنوان دارایی خود از حالا تا ابد مسرت ببریم.

۴. ما باید از مسیح به عنوان واقعیت آزادی ها و برکات یوبیل عهد جدید مسرت ببریم - لوقا ۴: ۱۹-۱۸:

آ. برای مسرت بردن از مسیح به عنوان واقعیت یوبیل، ما باید روز به روز با خداوند زمان صرف کنیم تا به سخن او گوش داده و با او تزییق شویم. ما باید از الگوی مریم پیروی کنیم، که نزد پاهای خداوند نشست بود و به کلام او گوش می داد - ۱۰: ۳۹:

۱. او نزد پاهای «خداوند عیسی» بود و نه نزد پاهای شخص دیگری. او به خداوند نزدیک می شد؛ هیچ روشی بهتر از لحظه به لحظه آمدن نزد او، دوست داشتن او، پرستش او، مشارکت بی وقفه با او، و باقی ماندن در حضور او نیست.

۲. او «نزد پاهای» خداوند نشست، یعنی خود را در موقعیتی فروتن قرار داد تا خداوند را به عنوان فیض دریافت کند (۱ پطرس ۵: ۵). فروتنی، تحقیر خودمان نیست؛ فروتنی، نادیده گرفتن خود، نفی خود، و خود را هیچ تلقی کردن است.

۳. او «نشسته» بود؛ سکوت در برابر خداوند، اغلب منشأ قوت روحانی است (اشعیا ۳۰: ۱۵)؛ چشمان و افکار انسان اغلب به دنیای بیرون منحرف می شود؛ آلهایی که با یک ذهن سرگردان و افکار متزلزل مشغول هستند نمی توانند به راحتی مکاشفه دریافت کنند.

۴. او «کلام او [خداوند] را می شنید [گوش می داد]»؛ کلامی که خداوند می گوید، روح و حیات است (یوحنا ۶: ۶۳) تا خود را در انسان ها توزیع کند. گوش دادن او به کلام خداوند این فرصت را به خداوند داد که خود را با او در میان بگذارد تا او مدام خداوند را دریافت کرده و او را کسب کند.

ب. نجات خدا باعث می شود که ما آزادی واقعی داشته باشیم. ملک و دارایی ما خداست، و آزادی ما از مسرتمان از خدا ناشی می شود. اگر انسان از خدا مسرت نبرد، نمی تواند آزادی واقعی داشته باشد؛ آزادی یعنی رهایی، آزاد شدن از تمام اسارت ها، تمام بارهای قلبی سنگین، تمام ظلم و ستم و تمام بردگی - ۸: ۳۲، ۳۶؛ غلاطیان ۵: ۱؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۷؛

پ. اول، شیطان ما را اسیر کرد. سپس او به عنوان آن تحریک کننده، آن محرک گناهان ما، در ما ساکن شد؛ نتیجه این است که او ارباب غیرقانونی ما شده است، و ما اسیران او شده ایم تا حدی که ما قادر به انجام نیکویی نیستیم و فقط می توانیم گناه کنیم - رومیان ۷: ۱۴؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۹: ۱. اگر انسان خدا را نداشته باشد، هر چه بخواهد جدا از خدا از آن مسرت ببرد، غذای سگ، فضله و سرگین است - فیلیپیان ۳: ۷-۹؛ ر.ک. ۲ پطرس ۲: ۲۲.

۲. شیطان «بِعلزبول» خوانده می شود، که به معنای «ارباب توده سرگین» از «بعل-زیوب» است، به معنای «ارباب مگس ها»؛ شیطان در رهبری گناهکاران مثل مگس برای خوردن سرگین تخصص دارد - متی ۱۰: ۲۵؛ ۱۲: ۲۴، ۲۷؛ ۲ پادشاهان ۱: ۲.

۳. با اینکه هیچ کس در اعماق قلبش نمی خواهد گناه کند، عاقبت، همه گناه می کنند. هیچ کس بر خود تسلط ندارد، و همه برده گناه شده اند - رومیان ۷: ۱۸-۲۳؛ یوحنا ۸: ۳۴.

ت. فریاد عاجزانه پولس در رومیان ۷: ۲۴، در رومیان ۸: ۲ پاسخ داده شده است، که می گوید قانون روح حیات ما را در مسیح عیسی از قانون گناه و مرگ آزاد می کند.

ث. ما فقط با مسرت بردن از مسیح به عنوان روح حیات بخش می توانیم رها شده و آزادی واقعی داشته باشیم؛ فقط کسانی که از خدا مسرت می برند مرتکب گناه نمی شوند و واقعا آزاد بوده، یک زندگی آزادانه، رهایی و آزادی از اسارت دارند - یوحنا ۸: ۱۱-۱۲، ۲۴، ۲۸، ۳۱-۳۶:

۱. قانون روح حیات ما را از قانون گناه و مرگ رها می کند. این قانون، خود خداوند است که از مرگ و رستاخیز عبور کرد تا روح حیات بخش شود - رومیان ۸: ۲.

۲. اگر به اندازه کافی از خداوند مسرت نبریم، همچنان در بند بسیاری از چیزها خواهیم بود؛ تصمیم گیری ما کارساز نخواهد بود. ما باید مدام نزد خداوند بیاییم تا او را بخوریم و از او مسرت ببریم - ۱ قرنتیان ۹: ۱؛ مکاشفه ۲: ۷؛ اشعیا ۵۵: ۱-۲.

۳. مسیح به عنوان یوبیل، ما را از فقر، اسارت، نابینایی و ستم آزاد می کند - جامعه ۱: ۲، ۱۴؛ ۳: ۱۱؛ فیلیپیان ۳: ۸؛ ۲ پطرس ۲: ۲۲؛ لوقا ۱۲: ۲۱؛ مکاشفه ۳: ۱۷.

ج. زیستن یوبیل، زیستن در مسرت مسیح است، زیستن مسرت بردن از خدا به عنوان میراث و آزادی واقعی ما - اعمال ۲۶: ۱۸؛ یوحنا ۸: ۳۶:

۱. زیستن یوبیل، زندگی ای است که در آن ما خود خدا، خود مسیح را در هر وضعیتی بر می گیریم؛ سپس او عامل و مرکز اولیه در ما می شود تا بر همه مشکلات زندگی انسان مسلط شود - ۶: ۱۶-۲۱؛ کولسیان ۱: ۱۷ب، ۱۸ب؛ فیلیپیان ۴: ۶-۷، ۱۱-۱۲.

۲. چون همه چیز تحت حاکمیت اوست، باید دعا کنیم: «خداوندا، مرا پر کن، مرا کسب کن، و مرا تصرف کن؛ صرف نظر از اینکه وضعیت بیرونی من چیست، فقط می خواهم از تو مسرت ببرم»؛ ما باید توسط زیستن و اعلام کردن انجیل - مسیح به عنوان یوبیل فیض - برای به انجام رساندن اقتصاد جاودان خدا، خدمتگزاران و شاهدان امروز باشیم - اعمال ۲۶: ۱۶-۱۹.